

«وطن امروز» گزارش می‌دهد: جریان غرب‌گرای داخلی که از کودتای آمریکایی در ونزوئلا ذوقزده شده است از پیامدهای این کودتا در تشدید تحریم‌های ایران باخبر است؟!

کارگزاران تحریم نفتی

ونزوئلا بزرگ‌ترین ذخایر نفتی دنیا را دارد و در صورت همکاری با آمریکا به سرعت عدم عرضه نفت ایران در بازارهای انرژی را جبران می‌کند



را علیه ایران به اجرا گذاشت و بدون در نظر گرفتن اهداف و فعالیت‌ها و جریان‌سازی‌های رسانه‌ای غرب‌گرایان در ایران که به او پالس مثبت برای انجام مذاکره می‌دادند، در انتخاب بین اصلاح‌طلبان و اپوزیسیون خارجی، در نهایت گروهکی به نام منافقین را انتخاب کرد او در ماجرای اغتشاشات داخلی بشدت روی این گروه حساب کرده بود و نتوانست در نهایت راه به جایی برد اما در اهرم اقتصادی براحتی تمام ابزارهای تحریمی خود را به کار بست و در نهایت تحریم نفتی ایران را با هدف رساندن صادرات نفت کشورمان به صفر در پیش گرفت. با خروج آمریکا از برجام، ترامپ تحریم‌های گذشته را به همراه یک بسته تحریمی جدید علیه ایران اعمال کرد. ترامپ در یک سال گذشته بشدت به دنبال رساندن میزان فروش نفت ایران به صفر بوده است. این را برابان هوک، مسئول کارگروه ایران در دولت

موفق شود، تولیدکنندگان نفت باید عرضه روزانه ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه نفت ایران را جایگزین کنند. این خفراهی بزرگ است که پر کردن آن دشوار است.»

اما مشکل دوم ترامپ برای به صفر رساندن فروش نفت ایران، تاثیرات مستقیم این اقدام بر افزایش قیمت نفت بود. قطع ناگهانی یا کاهش ناگهانی خرید نفت از ایران بدون اینکه جایگزینی برای آن پیدا شود، باعث افزایش قیمت نفت می‌شد و این افزایش قیمت نفت به غیر از آنکه درآمدهای دولت ایران از محل فروش نفت را افزایش می‌داد و کاهش فروش را جبران می‌کرد؛ به صورت مستقیم در اقتصاد آمریکا نیز اثر می‌گذاشت. ترامپ نوامبر ۲۰۱۸ در استانه انتخابات مهم کنگره یک جبهش قیمت بنزین را در کشورش تجربه کرد و آثار آن را در نتیجه انتخابات کنگره نیز دید. این تنها یکی از پیامدهای کاهش ناگهانی خرید نفت از ایران در اقتصاد آمریکا بود. این موضوع برای رئیس‌جمهوری که سفره جامعه‌سیداریش بشدت از پیامدهای افزایش قیمت جهانی نفت آسیب خواهد دید، بسیار مهم است.

به همین دلیل ترامپ نقشه دوم خود را به کار بست که آن پلکتنی کردن اجرای تحریم‌ها و مستسنا کردن محدود برخی کشورهای از تحریم‌های نفتی بود. در این برنامه که آبان‌ماه سال جاری برگزار شد، ۸ کشور چین، هند، ایتالیا، یونان، ژاپن، کره‌جنوبی، تایلند و ترکیه به طور موقت از اجرای تحریم‌های نفتی علیه ایران معاف شدند. ترامپ به این کشورها یک معافیتی

۶ ماهه برای خرید نفت از ایران داد اما در یک برنامه زمانبندی شده، آنها باید خرید نفت از ایران را در این مدت کاهش می‌دادند. به عنوان نمونه آمریکا برخی از این کشورها را متقاعد کرد طی این مدت خرید نفت از ایران را به یک‌سوم برساند. طی این مدت حتی برخی گزارش‌ها از قطع خرید نفت ایران توسط کره خیر داد. بر این اساس مقامات کره در ماه نوامبر برای سومین ماه متوالی حتی یک بشکه نفت از ایران نخریدند. کاهش پله‌ای و قطره‌چکانی خرید نفت از ایران گویا تداوم نیز خواهد داشت. بر اساس گزارش منابع آمریکایی، ترامپ با پایان یافتن فرجه ۶ ماهه، اگرچه تعداد کشورهای مستسنا شده از تحریم نفتی ایران را کاهش خواهد داد اما باز هم چند کشور از این ۸ کشور را از تحریم نفتی ایران معاف می‌کند. خبرگزاری رویترز در همین رابطه گزارش داد در دوره جدید چین، هند، ژاپن، کره و ترکیه پس از اتمام مهلت معافیت‌های فعلی در ماه مه، دوباره معافیت می‌گیرند. این کار دولت آمریکا برای آن است تا فرآیند به صفر رساندن فروش نفت ایران را با کمترین هزینه محقق کند اما مشکل بزرگ دولت آمریکا، زمان بر بودن این فرآیند است.

گروه سیاسی؛ جهانی شدن ارتباطات و سرعت گسترش اخبار در جهان، محیط زندگی ما را تبدیل به آزمایشگاهی بزرگ برای تعلیم روابط بین‌الملل و همچنین درس‌های مرتبط با علوم سیاسی کرده است. شاید در قرن گذشته تنها ۲ جنگ اول و دوم جهانی بود که می‌توانست با خسارت‌های جانی بسیار درسی برای روابط بین‌الملل و همچنین حکمرانی جهانی داشته باشد اما در قرن حاضر، مساله داخلی هر کشور و ارتباط آن با مسائل بین‌المللی به محلی برای تجربه‌اندوزی کشورها و مقایسه فرآیندهای تاریخی با آنچه در گذشته اتفاق افتاده، شده است. این روزها مردم نمی‌توانند اخبار را تنها با نمای اطلاع داشتن از تحولات جهانی دنبال کنند. مثلا مردم در شرق آسیا می‌خواهند بدانند نتیجه بزرگ‌ترین چه تاثیری بر وضعیت سیاسی جهان می‌گذارد یا بیرون آمدن ترامپ از توافق هسته‌ای با ایران، چه تاثیری می‌تواند بر تحولات جهانی داشته باشد و چرا هنوز در قرن بیست و یکم شاهد پرونده‌های عجیبی مثل قتل روزنامه‌نگار عربستانی هستیم و همچنان کودتا ابزار اصلی برای تغییر رژیم در کشورهای آمریکایی لاتین است. دلیل تمرکز افکار عمومی بر این مسائل را می‌توان در مثال معروف پروانه و توفان جست‌وجو کرد. همان مثال معروفی که همه چیز در عالم را به هم مرتبط می‌داند و معتقد است بال‌زدن یک پروانه در غرب دنیا می‌تواند باعث ایجاد توفانی سهمگین در شرق شود.

■ عالم‌نما پروانه

این موضوع بعد از ماجرای اعتراضات فرانسه، رویارویی جدی‌طلبان و مخالفان‌شان در کانادا، اسکاتلند، نسل‌کشی مسلمانان در میانمار و گرسنگی و قحطی دادن به کودکان یمنی یا حتی تعطیل شدن دولت آمریکا، این بار خود را در ماجرای کودتای سیاسی در ونزوئلا نشان داده است. به گزارش «وطن امروز»، واقعیت این است که دنیا بشدت نسبت به سال‌های پیش کوچک‌تر شده و همزادپنداری‌ها در عرصه سیاست بین‌الملل و تحلیل‌های سیاسی بیشتر در زندگی روزمره مردم دیده می‌شود اما این تحلیل‌ها نیز مانند ماهیت اخبار تا به دست مخاطبان برسد، بارها و بارها اسیر دست «فیک‌نیوز»ها شده یا با امیال و اهداف سیاسی پنهان و آشکار مخلوط می‌شود. در نهایت با وجود اینکه همه مردم دنیا به هم نزدیک شده‌اند، باز هم اختلافاتی اساسی در دیدگاه‌شان نسبت به مسائل پیدا می‌کنند و اینجاست که همان تاریخ کلاسیک قدیمی که مکتب‌هایی می‌آید تا بلکه بتوانند به صورت شفاف‌تری به مسائل نگاه کنند.

کودتای آمریکایی در ونزوئلا از همین قبیل خبرهاست که بال‌های این پروانه نه تنها در سراسر آمریکای لاتین و آمریکای شمالی موجب ایجاد توفان شده است، بلکه در خاورمیانه و روسیه و ایران نیز اثرات خود را بر جا گذاشته است. اما چگونه تاریخ می‌تواند دیدگاه ما را با نسبت به مسائل امروز تغییر دهد؟ مثال ونزوئلا در این مساله بسیار روشن است.

سال ۲۰۰۲ هوگو چاوز برای مدت ۴۷ ساعت به دلیل کودتایی که پشت آن عوامل آمریکایی قرار داشتند، در زندان گرفتار شد اما مردم به این سادگی‌ها از مموکراسی‌شان نمی‌گذرند. آنها با کودتاجان وارد مبارزه شدند و بعد از ۲ روز درگیری رئیس‌جمهورشان را از زندان نجات دادند و دوباره کنترل اوضاع را در دست گرفتند. آمریکا که از تمام توان خود برای رویارویی با چپ‌گرایان لاتین‌تبار در کوبا، بولیوی و ونزوئلا استفاده کرده بود و آنها را با تهدید و تحریم‌های مختلف درگیر کرده بود، نتوانست در کوبا کاری از پیش ببرد. کودتای ناکام در خلیج خوک‌ها نیز جای‌آبرویی برای پانکی‌ها چیزی در بر نداشت. کودتا در ونزوئلا با هوشیاری مردم ناکام ماند و از آن پس سیل تحریم‌ها به سمت ونزوئلا به راه افتاد. ۱۷ سال بعد، رودرویی جرج بوش و هوگو چاوز به رودرویی ترامپ با مادورو رسید. اگرچه جرج بوش سیاستمدارتر از ترامپ بود و دست داشتن آمریکا در این کودتای ناکام را رد می‌کرد. ترامپ که این روزها به دلیل ماجرای تعطیلی دولت و رویارویی با دموکرات‌ها و همچنین ناکام ماندن در تامین منابع مالی برای ساخت دیوار «بیبای» (آنگونه که خودش می‌گوید) بشدت در داخل وامانده است، بی‌برده از رهبر مخالفان حمایت می‌کند و در اقدامی کاملا خلاف قوانین بین‌المللی رهبر مخالفان را به عنوان رئیس‌جمهور جدید ونزوئلا- آن هم ۱۰ ماه بعد از اعلام نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری- به رسمیت می‌شناسد تا این بار از طریق کودتای سیاسی بتواند آمریکا را به خواسته‌هایش در منطقه برساند.

اگر سال ۲۰۰۲ همه چیز سر بسته برگزار شد و جرج بوش براحتی همه تلاش‌ها برای انجام کودتا در ونزوئلا را انکار کرد، این بار رسانه‌های جهانی مثل آسوشیيتدپرس، وال‌استریت ژورنال و رویترز خبر از کودتایی می‌دهند که به صورت مستقیم توسط معاون اول رئیس‌جمهور آمریکا، مایک پنس در حال هدایت و پشتیبانی است. این بار حتی اگر رهبر مخالفان و رئیس‌مجلس ونزوئلا که این روزها رئیس‌جمهور خودخوانده این کشور هم به حساب می‌آید، بخواهد مخفی کاری کرده و به صورت غیرقانونی از مرز ونزوئلا خارج شده و یا سفر به آمریکا، کلمبیا و برزیل، هماهنگی‌های لازم را با مسؤولان کودتا در این کشورها انجام دهد، رسانه یا شخصی هست که این خبر را برای تمام دنیا رسانه‌ای کند و آنها را در جریان ریز جزئیات کودتایی



قرار دهد که شب قبل از برگزاری تظاهرات‌های خیابانی از طریق تماس تلفنی گویا با مایک پنس هماهنگ و قطعی شده بود.

■ تأثیر بال‌زدن پروانه کودتا بر الگوریتم فکری روشنفکران وطنی!

حالا دنیا با پرونده‌ای از تلاش‌های آمریکا برای براندازی و تغییر رژیم و کودتا روبه‌رو است که مانند پروانه‌ای روی سر کاخ سفید سایه انداخته است اما پال‌های این پروانه در ایران باعث ایجاد یک ناهنجاری در عمق درک تحولات توسط عده‌ای می‌شود که خود را تا به حال به صورت عمده مخالف ترامپ و برنامه‌های دیوانه‌وارش نشان می‌دادند و حالا از کودتایی حمایت می‌کنند که ماهیت آن برای تمام دنیا روشن شده است. لیبرال‌های وطنی که اوج حمایت‌های‌شان از رویکرد غربی در ماجرای فتنه ۸۸ و برجام و تلاش برای مذاکرات موشکی و منطقه‌ای با ترامپ به وضوح مشاهده شد، حالا به جای ادامه دادن مسیر دفاع از ارزش‌های لیبرالی و نولیبرالی، نشان داده‌اند آنچه‌شان هم که فکر می‌کنند روشنفکر نیستند شاید زمانی دنباله‌رو افرادی مثل اوپاما و روشنفکران آمریکایی بودند اما تاریخ درست در روز ۶ بهمن سال ۹۷ نشان داد آنها کاری به این ندارند که اوپاما خوش‌بین و روشنفکر در کاخ سفید است یا ترامپ قلدر و دیوانه. آنها فقط دنباله‌رو کاخ سفید هستند و در این راه حتی از رسانه‌های آمریکایی هم رد شده‌اند و در حالی که آنها با لفظ کودتا از این ماجرا یاد می‌کنند، رسانه‌های ما از واژه انقلاب مردمی برای این حادثه استفاده می‌کنند!

نکته جالب این ماجرا تنها در این نیست که خروج ترامپ از برجام، در واقع لگد محکمی بود که رئیس‌جمهور آمریکا به غرب‌گرایان ایرانی زد و آنها را به هیچ انگاشته و زمینه انتقادات مردمی به عملکردشان را فراهم کرد، حتی در نظر نگرفتن منافع ملی در حمایت از کودتای ونزوئلا هم نبود، بلکه نکته اصلی در این ماجرا، نادیده گرفتن منافع حزبی و گروهی‌شان در داخل ایران است!

شاید با در نظر گرفتن اهداف اصلی ترامپ از حمایت و هدایت کودتا در ونزوئلا بهتر بتوانیم دلیل این گاف تاریخی رسانه‌ای توسط نزدیکان رئیس‌جمهور حسن روحانی را درک کنیم. یکی از محورهای مهم اهداف آمریکایی‌ها و شخص ترامپ در تلاش برای به پیروزی رساندن کودتا در ونزوئلا مستقیما به ایران بازمی‌گردد. ترامپ که از همان ابتدای روی کار آمدن در سال ۲۰۱۶ به وسیله دو بازاری سیاستی خود یعنی «تحریم» و «ایجاد اغتشاشات داخلی» به دنبال براندازی در ایران یا دست کم کشاندن مسؤولان دولت حسن روحانی پای میز مذاکره درباره موضوعات منطقه‌ای و موشکی بود، به قول خودش سختگیرانه‌ترین و هدفمندترین تحریم‌های اقتصادی

تهدید تولید ملی

0 107354 683291

خرید کالای خارجی!

خط خط خط خط خط خط